NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۷۵
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران



بازگشت پرونده مذاکرات به شعام

مجموعه‌ای از تحولات و نشانه‌ها در روزهای اخیر از تغییر مهمی در ترکیب کارگزاری مذاکرات و مسئولیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی حکایت دارد؛ تحولاتی که پس از عزل محمدباقر ذوالقدر از دبیری شورای عالی امنیت ملی، دومین پیام معنادار درباره ارزیابی منفی از روند اسلام‌آباد، عملکرد مسئولان دخیل در مذاکرات آتش‌بس و تفاهمی است که با وجود تبلیغات گسترده بانیانش، نتوانست اعتماد و تعهدپذیری آمریکا را تضمین کند.

۷



روایت سرلشکر از ضعف‌های اسلام‌آباد

شروط جدید ایران پرده از کاستی‌های تفاهم اسلام‌آباد برداشت

۶

FATF؛ وعده‌های بی‌پشتوانه و فرار رو به جلوی مدعیان

علی‌اکبر فدایی
روزنامه‌نگار

پرونده **FATF** بار دیگر به صحنه طرح ادعاهای بدون پشتوانه تبدیل شده است. مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد مدعی است وضعیت ایران در این پرونده پیشرفت داشته و این موضوع حتی در بیانیه اخیر گروه ویژه اقدام مالی نیز منعکس شده است؛ ادعایی که بررسی متن بیانیه اکتبر ۲۰۲۶ به‌سادگی آن را زیر سؤال می‌برد. در متن منتشرشده نه عبارتی درباره پیشرفت ایران وجود دارد و نه نشانه‌ای از بهبود وضعیت کشور دیده می‌شود.

متن کامل در صفحه ۷



تاکید تعدادی از نمایندگان بر بازنگری در دکترین هسته‌ای

اصرار مجلس بر خروج از ان پی تی

۲

بازار خودرو روزهای آشفته‌ای را تجربه می‌کند

ایران خودرو به دنبال گرانی ۵۵ درصدی

۴

سیاسی | صفحه ۳

دکترین هسته‌ای در دستور کار تغییر

موج مطالبه برای تغییر در دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پس از تحمیل جنگ‌های دوازده روزه و رمضان بر کشور شدت گرفته است. این مطالبه که نخست در برخی محافل نخبگان و سپس رسانه‌ای مطرح بود، اینک به عرصه عمومی و حتی تجمعات شبانه رسیده است.

اقتصادی | صفحه ۵

افزایش کالابرگ با حذف کالابرگ‌بگیران!

به هر ایرانی ساکن کشور ماهانه یک میلیون تومان اعتبار برای کالاهای اساسی اختصاص پیدا کرد. یکی از مهم‌ترین وعده‌های دولت این بود که مبلغ کالابرگ هر سه ماه یک‌بار و متناسب با تغییرات نرخ ارز و قیمت کالاهای اساسی بازنگری شود. با این حال، آنچه در عمل اتفاق افتاد با وعده پاستورنشینان فاصله دارد.

گزارش کوتاه

آیت‌الله اراکی: ادامه حضور ایران در ان‌پی‌تی به صلاح کشور نیست

روز گذشته، آیت‌الله محسن اراکی در ابتدای درس خارج فقه خود با اشاره به ضرورت طرح مطالبات راهبردی و ملی در اجتماعات مردمی شبانه، اظهار کرد: امروز یکی از مطالبات مهمی که باید در این اجتماعات و در سراسر کشور مطرح شود، درخواست از مسئولان برای تجدیدنظر در ادامه عضویت جمهوری اسلامی ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است.

وی افزود: جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های گذشته به دلیل عضویت و ادامه پایبندی به این پیمان، آسیب‌ها و ضربه‌های فراوانی متحمل شده است، درحالی که هیچ‌گونه منفعت متناسبی نیز از این عضویت به دست نیاورده است. بنابراین، ضروری است مسئولان با توجه به تجربه‌های به‌دست‌آمده، درباره ادامه حضور کشور در این پیمان بازنگری کنند.

آیت‌الله اراکی تصریح کرد: تجربه این سال‌ها نشان داده است که جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها از حمایت‌های مورد انتظار برخوردار نشده، بلکه نهادها و مجموعه‌هایی که از نظر بین‌المللی مسئولیت نظارت بر اجرای تعهدات و حمایت از کشورهای عضو پیمان را بر عهده دارند، در موارد متعدد به جای حمایت از ایران، زمینه‌ساز فشار و آسیب به کشور شده‌اند.

آیت‌الله اراکی با طرح این پرسش که آیا با وجود چنین تجربه‌ای، ادامه عضویت جمهوری اسلامی ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از منطق و توجیه کافی برخوردار است، گفت: امروز واقعاً باید از خود بپرسیم که آیا عقل و منطق می‌پذیرد همچنان در پیمانی باقی بمانیم که نه‌تنها منفعتی برای کشور نداشته، بلکه خسارت‌های گسترده‌ای به ملت ایران وارد کرده است؟

وی افزود: آنچه در طول این سال‌ها اتفاق افتاده، نشان می‌دهد ادامه حضور در این پیمان، بدون برخورداری از منافع و حمایت‌های پیش‌بینی‌شده، می‌تواند به زیان مردم و مصالح ملی کشور باشد. بنابراین، لازم است مسئولان با بررسی دقیق تجربه گذشته و شرایط کنونی، درباره ادامه عضویت ایران در این پیمان تصمیم‌گیری و تجدیدنظر کنند.

آیت‌الله اراکی خاطرنشان کرد: احتمال دارد جریان‌هایی که همواره بر ضرورت تسلیم در برابر خواسته‌های طرف مقابل تأکید می‌کنند، در روزهای آینده با استفاده از رسانه‌ها چنین فضایی را ایجاد کنند و تلاش داشته باشند مسئولان کشور را برای عقب‌نشینی از مواضع خود تحت فشار قرار دهند؛ ازاین‌رو باید در برابر این فضاسازی‌ها هوشیار بود.

عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری تأکید کرد: مطالبات ما نباید صرفاً به همان هفت مورد مطرح‌شده در توافقات پیشین محدود بماند، بلکه مسئله فلسطین و بازگشت سرزمین‌های اشغالی به صاحبان اصلی آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

خبر کوتاه

امیر اکرمی‌نیا: آماده پاسخ به آمریکا حتی خارج از غرب آسیا هستیم

امیر سرتیپ محمد اکرمی‌نیا، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی ایران با تشریح ابعاد راهبردی دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با فرمانده معظم کل قوا، از تقویت آمادگی عملیاتی، به‌روزرسانی بانک اهداف دشمن و توسعه ظرفیت‌های دفاعی و تهاجمی نیروهای مسلح خبر داد گفت: جمهوری اسلامی ایران برای پاسخ به هرگونه تهدید احتمالی، از آمادگی بالاتری نسبت به آغاز جنگ ۴۰ روزه برخوردار است.

وی با اشاره به تأکید فرمانده معظم کل قوا بر «آمادگی رزمی هوشمندانه» افزود: این رویکرد یکی از محورهای اساسی راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران است و نیروهای مسلح توانسته‌اند با بهره‌گیری از جنگ نامتقارن و ناهمتراز، بخشی از فاصله تجهیزاتی خود با دشمن را از طریق هوشمندی عملیاتی و به‌کارگیری تاکتیک‌های متناسب جبران کنند.

تعدادی از نمایندگان بر بازنگری در دکترین هسته‌ای تاکید کردند

اصرار مجلس بر خروج از ان پی تی

موضوع طرح بازنگری در دکترین هسته‌ای و ضرورت خروج از ان پی تی طی هفته‌های اخیر به مطالبه‌ای مهم و راهبردی از سوی مردم حاضر در میدان، فعالان رسانه، کارشناسان برجسته سیاسی و بین‌الملل و حتی نخبگان جهان اسلام تبدیل شده است. مسئله‌ای که حتی برای اولین‌بار در تریبون نماز جمعه کشور مطرح شد. در همین‌راستا روز گذشته نیز صحن علنی مجلس با مطالبه صریح تعدادی از نمایندگان مردم مبنی بر خروج هرچه سریع‌تر از ان پی تی همراه بود.



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر در جلسه علنی روز گذشته (یکشنبه، ۱۰ آبان‌ماه) مجلس شورای اسلامی که به صورت مجازی برگزار شد، در تذکری شفاهی، در رابطه با جاسوسی گروسی در تاسیسات هسته‌ای ایران، اظهار کرد: «هر زمانی که گروسی و بازرسان آژانس وارد کشور ما شدند، خسارت و لطمه‌های زیادی دیدیم.» رئیس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی در ادامه نسبت به ضرورت خروج هرچه سریع‌تر از ان پی تی عنوان کرد: «باید به‌صورت جدی موضوع خروج از NPT را در دستور داشته باشیم. با خروج از NPT باید به دشمنان بفهمانیم که کشور ما در مقابل فشارهای آنان به هیچ وجه کوتاه نخواهد آمد.»

طرح خروج از NPT را در دستور کار مجلس قرار دهید

علاوه بر این، مالک شریعتی، نماینده مردم تهران در مجلس در همین رابطه اظهار کرد: «این شب‌ها که در جمع ملت مبعوث شده حاضر می‌شویم، مطالبه عمومی مردم بحث خروج از NPT است.» وی افزود: «طرح‌هایی در این زمینه در مجلس وجود دارد؛ از جمله طرحی که بنده و ۵۸ نفر از همکاران در شهریور سال گذشته مطرح کردیم از این رو تقاضا داریم که آن را در دستور کار قرار دهید.»

رضایی: ۱۰ طرح برای خروج از NPT در مجلس ثبت شده است

قابل ذکر است که دو شب پیش، ابراهیم رضایی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس طی گفتگویی تلویزیونی در پاسخ به سوالی وضعیت نهایی خروجی ایران از ان پی تی در مجلس، گفته بود: «10 طرح برای خروج از NPT امضا شده و اکثر نمایندگان همراه بودند؛ خروج از NPT در دست بررسی مجلس بوده و طرح‌ها آماده است.»

رضایی در پاسخ به سوالی مبنی بر میزان همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قبل و بعد از جنگ‌های یک سال گذشته با انتقاد از عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار کرده بود: «سطح همکاری ایران با آژانس تغییر کرده و حتی از میزان فعلی همکاری نیز رضایت نداریم؛ چراکه تاکنون هیچ بهره‌ای از عضویت در این نهاد نبرده‌ایم.»

وی با تشبیه کارکرد آژانس به سرویس‌های جاسوسی غرب، بیان کرد: «آنها به دنبال تکمیل بانک اطلاعاتی خود از صنعت هسته‌ای ایران هستند و در چنین شرایطی نباید در حوزه هسته‌ای با دشمن همکاری کنیم؛ چراکه مسیر امتیاز دادن به دشمن، مسیری اشتباه است. وی تاکید کرد که سطح همکاری ما با آژانس تغییر کرده است؛ کارکرد آژانس شبیه سرویس‌های جاسوسی غرب است؛ مسیر امتیاز دادن به دشمن مسیر اشتباهی است.»

خروج از NPT و تغییر دکترین هسته‌ای، محاسبات ترامپ را به هم می‌ریزد!

عباس گودرزی، سخنگوی هیئت رئیسه مجلس در رابطه با موضوع ضرورت تسریع در بازنگری دکترین هسته‌ای بیان کرد: «موضوع که عوض شد، حکمش هم عوض می‌شود؛ نقض اصول حقوق بین‌الملل توسط آمریکا و ترور امام امت، فرماندهان، زنان، مردان و کودکان؛ یعنی آمریکا فقط زبان زور می‌فهمد!» گودرزی تأکید کرد که خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای، تکلیف ترامپ را بیش از پیش روشن می‌کند.

خروج ازان پی تی، معطل هیات رئیسه

علیرضا عباسی نماینده کردج در ۳۰ مهرماه، در صفحه شخصی خود اطلاع داده بود که زح دو فوریتی ان پی تی آماده است و معطل هیات رئیسه مانده است. وی در ویراست خود نوشته بود: «طرح دو فوریتی خروج جمهوری اسلامی ایران از پیمان NPT مدتهاست به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. امیدواریم هیئت رئیسه محترم با رعایت آیین‌نامه‌ای که سوگند اجرای صحیح آن را خورده‌اند، هرچه زودتر آن را اعلام وصول کنند»

سیاسی

بهادری جهرمی: باید به سمت دکترین مردمی‌سازی دفاع حرکت کنیم



علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم در یادداشتی به تبیین فرمایشات اخیر رهبر انقلاب پرداخت. وی در اینباره نوشت: «تأکید فرمانده معظم کل قوا بر حمایت ملی از نیروهای مسلح به‌عنوان یکی از ارکان بازدارندگی، واجد دلالتی فراتر از مخاطبان مستقیم پیام است. این تأکید، ضرورت بازاندیشی در نسبت میان جامعه و نظام دفاعی کشور را مطرح می‌کند. بر این اساس، یکی از جهت‌گیری‌های مهم در تکامل دکترین دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران باید حرکت به سمت دکترین مردمی‌سازی دفاع باشد؛ و این دکترین به‌مثابه یکی از ارکان قدرت ملی و از عناصر مؤثر در شکل‌گیری و پایداری بازدارندگی شناخته شود. در این چارچوب فکری، قدرت دفاعی کشور از پیوند توان نظامی و امنیتی با سرمایه اجتماعی، ظرفیت علمی و صنعتی و اراده عمومی جامعه شکل می‌گیرد.» بهادری جهرمی در ادامه تاکید کرد: «اهمیت این تأکید زمانی روشن‌تر می‌شود که به تبیین فرمانده معظم کل قوا از نسبت میان حضور مردم و دفاع از کشور توجه کنیم. همان‌گونه که در دفاع مقدس هشت‌ساله، حضور و پشتیبانی مردم در کنار مجاهدت رزمندگان، یکی از ارکان مقاومت و پیروزی کشور بود، امروز نیز حضور اجتماعی و حمایت ملی مردم می‌تواند به‌عنوان بخشی از ظرفیت دفاعی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران عمل کند. سخنگوی دولت سیزدهم در ادامه تاکید کرد که این جهت‌گیری راهبردی دست‌کم دو الزام مهم برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی عمومی کشور به همراه دارد: نخست؛ تقویت سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی در پشتیبانی از امنیت کشور. یکی از مؤلفه‌های اساسی قدرت بازدارندگی، برخورداری کشور از جامعه‌ای منسجم، متحد و برخوردار از اعتماد و همبستگی ملی است. دوم؛ مشارکت تخصصی جامعه در ارتقای اقتدار دفاعی کشور. تأکید بر تعمیق دفاع بومی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مسئولیتی فراتر از مجموعه نیروهای مسلح برای جامعه علمی و صنعتی کشور ایجاد می‌کند. در مجموع، پیام اخیر فرمانده معظم کل قوا فرصتی برای بازاندیشی در الگوی دفاعی و امنیتی کشور و جایگاه مردم در آن فراهم می‌آورد.

فتاح: ۱۶۸ مدرسه به نام شهدای میناب ساخته می‌شود



روز گذشته مراسم افتتاح ۳ هزار و دویست و دهمین مدرسه برکت با حضور سید پرویز فتاح رئیس ستاد اجرایی فرمان امام برگزار شد. فتاح در این جلسه با اشاره به تعهد ستاد اجرایی فرمان امام برای تحقق عدالت آموزشی در مناطق کم‌برخوردار گفت: «در یک سال گذشته در ساخت و تکمیل ۲۰۰ مدرسه برکت مشارکت کردیم که امروز مجموع مدارس برکت را به عدد ۳ هزار و دویست و ده رسانده‌ایم. همچنین در این مدت، ۱۸۳ مدرسه آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی سوم نیز مرمت و بازسازی شد تا از آسیب‌های ناشی از جنگ در حوزه آموزش و پرورش کاسته شود.» وی با اشاره به ضرورت افزایش کیفیت آموزش مدارس، ادامه داد: در موضوع مدرسه فقط نباید متمرکز بر سخت‌افزار و ساختمان باشیم. کیفیت آموزشی نیز نیازمند حمایت است و به همین دلیل، در آغاز سال تحصیلی جدید علاوه بر توزیع ۲۵۰ هزار بسته نوشت‌افزار میان دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار کشور، ۱۵ هزار بسته معلمانه برای معلمان مدارس روستایی و عشایر توزیع شد و توانمندسازی و آموزش ۳۵ هزار معلم مناطق محروم از طریق سامانه معلمانه در دستور کار قرار گرفت.

فتاح در ادامه از ضرورت مهارت‌افزایی دانش‌آموزان سخن گفت و تاکید کرد: همچنان از ساخت مدارس تولید و مهارت حمایت می‌کنیم. تجهیز و تکمیل ۶۰ مدرسه تولید و مهارت توسط ستاد اجرایی فرمان امام، گواهی بر این مدعاست.

وی در پایان گفت: در آستانه روز دانش‌آموز هستیم و نمی‌توانیم شهدای مدرسه میناب را لحظه‌ای از خاطرمان دور کنیم. امروز در کنار وزیر محترم آموزش و پرورش متعهد می‌شویم که طی یک سال آینده، ۱۶۸ مدرسه را به نام هریک از شهدای میناب بسازیم.

روایت دبیر شورای عالی امنیت ملی از مطالبات گسترده مردمی در صورت وقوع جنگ جدید تحمیلی

دکترین هسته‌ای در دستور کار تغییر

موج مطالبه برای تغییر در دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پس از تحمیل جنگ‌های دوازده روزه و رمضان بر کشور شدت گرفته است. این مطالبه که نخست در برخی محافل نخبگان و سپس رسانه‌ای مطرح بود، اینک به عرصه عمومی و حتی تجمعات شبانه رسیده است. موضع اخیر امام جمعه موقت تهران مبنی بر نظرخواهی از نخبگان در این خصوص، گمانه‌زنی‌ها را شدت بخشیده است. سرلشکر رضایی دبیر شورا عالی امنیت ملی در مصاحبه اخیر خود با صداوسیما، به سوالی در این باره، پاسخی قابل تامل داده است.

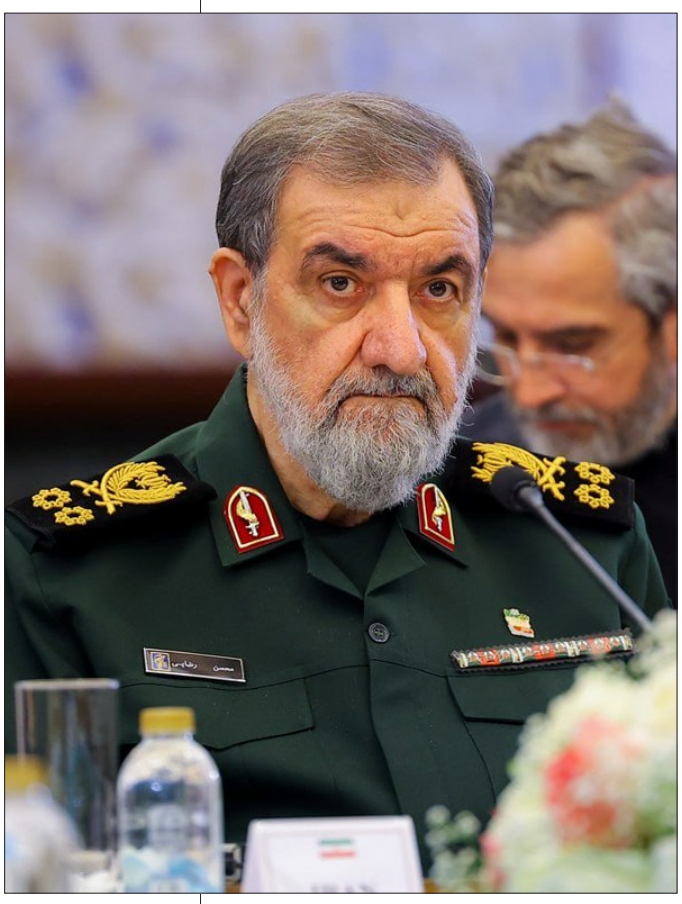
امین مهاجر
روزنامه‌نگار

محسن رضایی درباره احتمال تغییر دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: تاکنون تصمیم جدیدی در این زمینه اتخاذ نشده است، اما در صورت آغاز مجدد جنگ، این موضوع مورد بحث قرار خواهد گرفت. وی افزود: وقتی ملت می‌بینند دشمن به مراکز هسته‌ای کشور حمله می‌کند، طبیعتاً این پرسش مطرح می‌شود که چرا باید روند قبلی ادامه پیدا کند. وی افزود: البته این بحث مطرح است که اگر جنگ مجدداً آغاز شود، آیا باید همان دکترین هسته‌ای سابق را ادامه دهیم یا رویکرد دیگری در پیش بگیریم؛ اما تاکنون هیچ تصمیم رسمی و حکومتی در این زمینه گرفته نشده است.

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، با اشاره به تحولات منطقه و رایزنی‌های امنیتی با کشورهای منطقه اظهار کرد: طی یکی دو سال اخیر مشخص شده است که هرگونه ترتیبات امنیتی در آینده منطقه، بدون در نظر گرفتن جایگاه جمهوری اسلامی ایران، به نتیجه نخواهد رسید.

وی افزود: به همین دلیل، برخی از مقام‌های کشورهای منطقه که برای گفت‌وگو درباره ترتیبات امنیتی آینده به تهران آمدند، خودشان درخواست ملاقات و رایزنی با مسئولان جمهوری اسلامی ایران را مطرح کرده بودند.

رضایی با اشاره به محورهای گفت‌وگوهای انجام‌شده تصریح کرد: در این مذاکرات، موضوعاتی همچون پیمان مکه، مسائل یمن و مهم‌تر از همه، چگونگی شکل‌گیری ترتیبات امنیتی آینده منطقه مورد بحث قرار گرفت.



پیامدهای جهانی جنگ علیه ایران

دبیر شورای عالی امنیت ملی در بخش دیگری از سخنان خود به پیامدهای اقتصادی جنگ و حمله آمریکا به ایران اشاره کرد و گفت: اگر وضعیت زندگی مردم آمریکا را بررسی کنیم، می‌بینیم که این جنگ بر زندگی و هزینه‌های خانوارها تأثیر گذاشته است؛ حتی افرادی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردار بودند نیز از کاهش درآمد و افزایش هزینه‌ها متأثر شده‌اند.

وی با اشاره به افزایش هزینه‌های انرژی، سوخت، بنزین و وسایل گرمایشی افزود: هزینه‌های زندگی مردم افزایش پیدا کرده است و پیامدهای این جنگ به مرزهای منطقه محدود نمانده، بلکه زندگی مردم در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی، با اشاره به پیامدهای جنگ آمریکا علیه ایران اظهار کرد: این جنگ موجب شد بسیاری از ابعاد کمتر شناخته‌شده ملت ایران آشکار شود و اقتدار مردم ایران بیش از گذشته به نمایش درآید. وی با اشاره به پیامدهای اقتصادی جنگ برای آمریکا افزود: اگر وضعیت زندگی مردم آمریکا را بررسی کنیم، به‌سختی می‌توان خانواده‌ای را یافت که از تبعات این جنگ متأثر نشده باشد. حتی افراد ثروتمند نیز با کاهش درآمد مواجه شده‌اند، چه رسد به عموم مردم که افزایش هزینه‌های سوخت، بنزین و وسایل گرمایشی بر زندگی آنها تأثیر گذاشته است.

دبیر شورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه پیامدهای جنگ به آمریکا و منطقه محدود نمانده است، تصریح کرد: جنگ آمریکا علیه ایران، زندگی مردم در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده و هزینه‌های زندگی را افزایش داده است.

رضایی با مقایسه پیامدهای این جنگ با جنگ ویتنام گفت: در جنگ ویتنام نیز شمار زیادی از نظامیان آمریکایی کشته شدند، اما آن جنگ پیامدهایی با این گستردگی در سراسر جهان نداشت.

وی همچنین با انتقاد از عملکرد دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، اظهار کرد: پیامدهای این جنگ موجب افزایش نارضایتی و انتقاد از ترامپ در نقاط مختلف جهان شده است.

دستاوردهای مقاومت با سختی‌های اقتصادی قابل مقایسه نیست

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به دشواری‌های اقتصادی و فشارهای واردشده بر زندگی مردم در شرایط جنگی گفت: مردم سختی‌هایی را تحمل کرده‌اند و هزینه‌هایی پرداخته‌اند، اما دستاورد بزرگی که امروز به دست آورده‌ایم و دستاوردهایی که در آینده به دست خواهیم آورد، با این سختی‌ها قابل مقایسه نیست.

رضایی با تأکید بر اهمیت مقاومت ملت ایران برای نسل‌های آینده تصریح کرد: فرزندان و آیندگان این ملت در آینده، در نتیجه این مقاومت، از زندگی بهتر و جایگاه پرافتخارتری در منطقه برخوردار خواهند شد و با افتخار به این مقطع تاریخی نگاه خواهند کرد.

یادداشت

اصلاح‌طلبان و امنیت ملی؛ نگران از سلاح هسته‌ای، بی‌تفاوت به ترکمنچای

امیرحسین درکی
روزنامه‌نگار

پس از تجربه جنگ‌های تحمیلی ۱۲ روزه، رمضان و تشدید محاصره دریایی و زمینی دولت تروریستی آمریکا علیه کشورمان؛ موجی از مطالبات مردمی نخبگانی در خصوص موضوع ضرورت بازنگری در دکترین هسته‌ای و تسریع فرآیند خروج از ان‌پی‌تی جامعه شکل گرفت.

موضوعی که در اظهارات اخیر حجت‌الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری امام جمعه موقت تهران نیز مطرح شد. سخنان خطیب جمعه تهران از جهاتی بسیار حائز اهمیت بود. چراکه طرح موضوع بازنگری در دکترین هسته‌ای نیز تاکنون بیشتر در محافل مردمی، نخبگان و احزاب سیاسی مورد پیگیری و توجه قرار گرفته بود. از همین رو، صحبت از بازنگری، آن هم در مهم‌ترین تریبون رسمی کشور توسط نماینده رهبر انقلاب، حاکی از این مطلب می‌باشد که به مطالبه تغییر در دکترین هسته‌ای در لایه‌های مهم حاکمیتی نیز توجه ویژه‌ای وجود دارد.

برهمین اساس با توجه اهمیت این مسئله، و تاکید خطیب جمعه تهران بر ضرورت تغییر دکترین هسته‌ای و جدی شدن این مسئله، برخی از اصلاح‌طلبان نگران امنیت ملی شدند! جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات به این اظهارات واکنش نشان داده و از آن انتقاد کرده است. او در پیامی، با طرح پرسش‌هایی درباره حمایت ۷۰ درصدی مردم از ساخت سلاح هسته‌ای، خطاب به امام جمعه موقت تهران نوشت: «تغییر دکترین هسته‌ای و طرح موضوع ساخت بمب اتمی، تصمیمی ساده و شعاری نیست؛ پای امنیت، اقتصاد، منافع ملی و آینده ایران در میان است.» با توجه به همین موضوع بدنیست به سخنگوی جبهه اصلاحات یادآور شویم که چگونه درشرایطی که جوادظریف، هم مسلک او طی هفته‌های اخیر، «منافع ملی ایران» را به حراج گذاشته، و در پی تطهیرسازی از قرارداد ننگین ترکمنچای برآمده است و عملا نسخه «بدیم برود» را برای کشور تئوریزی می‌کند، سخنگوی جبهه اصلاحات از اقدامات بازدارنده و امنیت‌زا احساس می‌کند که منافع ملی به خطر می‌افتد؟

روایت خلبان ایرانی از روزهای نفس‌گیر دفاع از آسمان ایران

یکی از خلبانان باتجربه گردان میگ-۲۹، طی گفتگویی با فارس روایتی جالب از سرگذشت جنگنده شماره «۱۱۱» گردان میگ-۲۹ تبریز ارائه داد. روایت او از چند روز پیش از آغاز جنگ شروع می‌شود؛ از مأموریتی در اصفهان که با یک حادثه پیش‌بینی نشده، مسیر جنگنده «۱۱۱» را تغییر داد. وی در این گفتگو درباره عملیات‌های موفق هواپیمای ایرانی در جنگ اخیر گفت: «این هواپیما به تنهایی تا رسیدن سایر هواپیماهای ذخیره، بار اصلی عملیات‌های پروازی را بر دوش کشید. در طول جنگ، این جنگنده بارها با شلیک موشک‌های **-۷۳ به سمت پهپادها و اهداف دشمن، نقش کلیدی داشت.» این خلبان نیروی هوایی ارتش ادامه داد: «خلبانان با شجاعت مثال‌زدنی در شرایطی که کل منطقه در حالت قرمز بود، موفق شدند پروازهای متعددی انجام دهند و به دفاع از آسمان کشور ادامه دهند.» این خلبان پایگاه تبریز با اشاره به چندین عملیات موفق جنگنده ۱۱۱ گفت: «در یکی از این پروازها، سه یا چهار موشک آر-۷۳ به سمت اهداف دشمن شلیک شد که به تأیید پدافند هوایی به هدف برخورد کردند. این حملات عمدتاً علیه پهپادهای مستقر در اطراف تهران انجام گرفت.» «این جنگنده تا پس از آتش‌بس نیز در چرخه عملیات حضور داشت و یکی از نمادهای دفاع هوایی کشور باقی ماند.» خلبان میگ-۲۹ تبریز در پایان با تأمل گفت: «گاهی اوقات احساس می‌کنم جنگنده‌ها روح دارند. جنگنده ۱۱۱ واقعاً روح داشت؛ این هواپیما از حادثه آتش‌سوزی جان سالم به در برد، از بمباران شدید پایگاه تبریز جان سالم به در برد و در سخت‌ترین روزهای جنگ ناجی آسمان ایران بود.»

ایران خودرو به دنبال گرانی ۵۵ درصدی



بازار خودرو در یک ماه گذشته روزهای آشفتگی بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. تنها طی یک ماه اخیر، افزایش قیمت خودرو از مرز ۳۰ تا ۵۰ درصد گذشته و این رشد تورمی سرسام‌آور در حالی رخ می‌دهد که هیچ‌کدام از متولیان مربوط در حوزه صنعت خودرو و تنظیم‌گری بازار، پاسخگوی این وضعیت نیستند. بر اساس گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در چنین شرایطی که فشار مضاعفی بر معیشت مردم وارد می‌شود، این پرسش مطرح است که متولی اصلی نظارت و مدیریت بازار خودرو کیست و چرا هیچ نهادی پاسخگوی این وضعیت نابسامان نیست؟ نگاهی به قانون ساماندهی صنعت خودرو و تکالیف صریح قانون‌گذار نشان می‌دهد که چارچوب‌های مشخصی برای اداره این صنعت و بازار در نظر گرفته شده است، اما مشخص نبودن مرزهای مسئولیت و تعلل دستگاه‌های متولی، بازار را به حال خود رها کرده است. براساس ماده ۲ این قانون، دولت موظف است با اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و از طریق اقدامات سیاست‌گذاری، نظارتی و تنظیم‌گری، زمینه رقابت‌پذیری در صنعت خودرو را فراهم کند. در ماده ۴ این قانون، اختیار و سازوکار قانونی واردات خودرو با هدف تنظیم بازار و رعایت منافع مصرف‌کنندگان به وزارت صنعت، معدن و تجارت و هیئت وزیران تفویض شده و قانون‌گذار در ماده ۱۱ الحاقی مصوب ۱۴۰۲ نیز واردات خودروهای کارکرده را صراحتاً برای تنظیم بازار مجاز دانسته است.

خبرگزاری فارس نیز نوشت: ایران خودرو بار دیگر درخواست رسمی خود را برای افزایش قیمت محصولات به مراجع ذی‌ربط ارائه کرده است. خودروساز بزرگ کشور این بار درخواست افزایش قیمت ۵۵ درصدی دارد؛ اگر این افزایش قیمت مورد موافقت قرار گیرد، قیمت خودرویی مانند «رانا پلاس» که حالا یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان است، به حدود دو میلیارد و پانصد میلیون تومان می‌رسد. یکی از اهداف واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، افزایش بهره‌وری است؛ مدیریت ایران خودرو در بهمن ۱۴۰۳ نیز با همین هدف به بخش خصوصی واگذار شد. این شرکت از آن زمان تا کنون، تقریباً قیمت خودروهایش را ۳ برابر کرده است. این شرکت در ۷ ماهه امسال حدود ۲۴۵ هزار خودرو تولید کرده که در مقایسه با ۳۲۳ هزار دستگاه در مدت مشابه سال قبل، ۲۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. ایران خودرو پارسال در چند نوبت قیمت‌ها را بالا برد و خرداد امسال نیز محصولاتش را ۴۰ درصد گران کرد. با این حال، مدیران شرکت می‌گویند سودشان در ۷ ماهه امسال نسبت به پارسال حدود ۵۰ درصد بیشتر شده است.

نبض بازار

پلتفرم‌های آنلاین طلا زیر ذره‌بین اتحادیه رفتند

پلتفرم‌های آنلاین فروش طلا طبق مصوبه جدید هیئت عالی نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت ملزم به دریافت مجوز از اتحادیه تخصصی طلا شدند. چندی پیش هیئت وزیران با اصلاح دستورالعمل خرید و فروش برخط طلا و نقره، شرط تأیید بانک مرکزی برای صدور، تمدید و ابطال مجوز پلتفرم‌ها را حذف کرد. قبل از کنار رفتن بانک مرکزی اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی مرجع صدور مجوز بود، اما باید تأیید بانک مرکزی را نیز دریافت می‌کرد. این سومین بار است که مسئولیت صدور مجوز پلتفرم‌های فروش آنلاین طلا تغییر می‌کند؛ این در حالی است که در ماه‌های اخیر برخی کاربران این سکوها برای برداشت وجه، دریافت طلای فیزیکی و تحویل سفارش‌های خود با مشکل مواجه شده‌اند و نگرانی‌ها درباره پشتوانه طلای این پلتفرم‌ها افزایش یافته است.

نادر بذرافشان، رئیس اتحادیه سازندگان و فروشندگان طلا و جواهر تهران، در این باره با اشاره به پیامدهای گسترش فروش طلای آب‌شده از طریق پلتفرم‌های آنلاین گفت: طی دو سال گذشته، هم‌زمان با گسترش تبلیغات و فروش گسترده طلای آب‌شده از طریق پلتفرم‌های مجازی در سطح کشور، بارها نسبت به تبعات این روند برای صنعت طلا هشدار دادیم. در همین راستا، جلسات متعددی برگزار و مکاتباتی با دستگاه‌های مرتبط از جمله پلیس امنیت اقتصادی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام شد. او با بیان اینکه فروش گسترده طلای آب‌شده در بستر پلتفرم‌های آنلاین می‌تواند در بلندمدت تهدیدی جدی برای این صنعت باشد، افزود: این شیوه فعالیت، تعادل چرخه تولید و توزیع را برهم زده و مشکلات متعددی برای فعالان صنف ایجاد کرده است؛ به‌طوری که طی دو سال گذشته میزان تولید در این بخش بین ۳۵ تا ۵۵ درصد کاهش یافته است.

بذرافشان ادامه داد: براساس مصوبه ۱۳۸ در جلسه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۵ هیئت عالی نظارت وزارت صمت مقرر شد از این پس فعالان صنف و صنعت طلا و حتی سایر صنوفی که در بستر فضای مجازی فعالیت می‌کنند، مجوز خود را از اتحادیه تخصصی مربوطه دریافت کنند، نه اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی. وی گفت: بر اساس تصمیم اتخاذشده، صدور مجوز فعالیت پلتفرم‌های مجازی حوزه طلا بر عهده اتحادیه تخصصی طلا و جواهر خواهد بود و این اتحادیه با تدوین دستورالعمل‌ها و ضوابط مشخص، نظارت دقیق‌تری بر عملکرد این کسب‌وکارها اعمال خواهد کرد. پیش‌بینی می‌شود مصوبه مذکور حداکثر طی یک ماه آینده ابلاغ شود و پس از آن، فرآیند صدور مجوز و نظارت بر فعالیت پلتفرم‌های آنلاین مطابق ضوابط تعیین‌شده از سوی اتحادیه تخصصی انجام خواهد شد.



«نوبنیاد» از راهکار عاجل بهبود ناترازی انرژی در زمستان پیش‌رو گزارش می‌دهد

واردات گاز روسیه کمک‌حال استان‌های شمالی

با نزدیک شدن به روزهای سرد سال، افزایش مصرف گاز و هشدار درباره احتمال بروز چالش در تامین گاز ۱۱ استان کشور، بار دیگر مسئله ناترازی تولید و مصرف گاز را به یکی از دغدغه‌های جدی زمستان پیش‌رو تبدیل کرده است. اگرچه بخشی از ظرفیت تولید گاز کشور در جریان جنگ آسیب دیده، اما ریشه اصلی ناترازی را باید در مشکلات ساختاری سال‌های گذشته و فاصله میان تولید و مصرف در زمان اوج مصرف جست‌وجو کرد. در چنین شرایطی، مدیریت مصرف و اصلاح تجهیزات گرمایشی در کنار فعال‌سازی دیپلماسی انرژی و بهره‌گیری از ظرفیت واردات گاز روسیه، می‌تواند راهی برای کاهش فشار بر شبکه گاز کشور و عبور مطمئن‌تر از زمستان باشد.

هادی مولایی
روزنامه‌نگار

طبق گفته مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، در پنج روز منتهی به ۷ آبان، مصرف گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء حدود ۷۰ میلیون مترمکعب، معادل ۳۰ درصد، افزایش یافته است و با تداوم افت دما، انتظار می‌رود مصرف باز هم افزایش پیدا کند. این روند که در مصاحبه سعید توکلی با صداوسیما به آن اشاره شده است، نگرانی‌ها را از وجود ناترازی گاز در کشور افزایش می‌دهد. به گفته او، پیش‌بینی می‌شود ۱۱ استان در زمستان با تنش گازی مواجه شوند؛ این استان‌ها، به جز کرمان، غالباً در نیمه شمالی کشور و به‌خصوص در مناطق سردسیر شمال غرب و شمال شرق قرار دارند. با توجه به کاهش دما در ماه‌های آینده و رسیدن به اوج مصرف، نگرانی درباره تأمین گاز در این استان‌ها جدی خواهد بود؛ نگرانی‌ای که سرمنشأ آن، ناترازی ساختاری سال‌های گذشته و البته خسارتی است که در طول جنگ به توان تولیدی کشور وارد شده است.

ناترازی گاز؛ ریشه‌های ساختاری فراتر از خسارت‌های جنگ

طبق برآوردهای موجود، ناترازی ساختاری کشور در اوج مصرف گاز بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب تخمین زده می‌شود. همچنین، طبق اعلام شرکت ملی گاز ایران، در جنگ گذشته حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز کشور آسیب دید و از دسترس خارج شد؛ البته با تلاش و عزم نیروهای داخلی، ۱۰۰ میلیون مترمکعب از این ظرفیت دوباره در دسترس قرار گرفت و کاهش ظرفیت تولید ناشی از خسارت‌های جنگ به ۱۳۰ میلیون مترمکعب رسید. البته اضافه شدن این کسری در ظرفیت تولید به ناترازی پیش از جنگ، نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد؛ اما نمی‌توان بدون در نظر گرفتن ناترازی پیش از جنگ، صرفاً جنگ را مسبب این ناترازی دانست. میزان ناترازی پیش از جنگ حتی بیش از دو برابر کسری حاصل از جنگ بوده است. بنابراین، ریشه این ناترازی را باید در نحوه مدیریت و مصرف گاز جست‌وجو کرد.

مهار ناترازی از مسیر مدیریت مصرف

یکی از راه‌های مدیریت ناترازی موجود را می‌توان در نحوه مدیریت مصرف در بخش خانگی جست‌وجو کرد؛ جایی که استفاده از تجهیزات گرمایشی بهینه و البته کنترل مصرف و کاهش دمای خانه توسط خانوارها می‌تواند به کنترل ناترازی در اوج مصرف کمک کند. در همین زمینه، طبق اعلام مسئولان و کارشناسان این حوزه، در زمان اوج مصرف، هر درجه کاهش دما سبب کاهش حدود ۲۵ میلیون مترمکعب مصرف در بخش خانگی می‌شود. این بدان معناست که در صورت کاهش یک درجه‌ای دمای خانه‌ها توسط خانوارها، می‌توان شاهد کاهش ۲۵ میلیون مترمکعبی ناترازی گاز بود. در همین راستا، توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، بیان داشته است: شرکت ملی گاز پویش دمای ۲۰ درجه را با هدف حفظ آسایش خانوارها و کاهش مصرف اجرا می‌کند. دمای ۱۸ تا ۲۱ درجه، محدوده استاندارد آسایش حرارتی است و تنظیم وسایل گرمایشی در این محدوده می‌تواند به مدیریت مصرف کمک کند.»

در صورت استقبال مردم و مشترکان از این طرح و تحقق صرفه‌جویی، می‌توان بخش اعظمی از ناترازی بین تولید و مصرف را کاهش داد. بخش دیگری که می‌توان از طریق آن، بدون افزایش عرضه و منابع و صرفاً با اثرگذاری بر سمت تقاضا، ناترازی را کاهش داد، اصلاح تجهیزات مورد استفاده خانوارها و جلوگیری از هدررفت منابع در بخش مصرف است. برای مثال، تاکنون بیش از ۱۳۲ هزار موتورخانه در کشور بهینه‌سازی شده است؛ اقدامی مثبت که می‌تواند مصرف گاز هر واحد یا مجتمع را حدود ۱۳ تا ۲۵ درصد کاهش دهد. در صورت اقدام مؤثر و به‌موقع در این حوزه، می‌توان از شدت بحران پیش‌رو کاست. همچنین، به نظر می‌رسد جایگزین کردن تجهیزات گرمایشی، از جمله بخاری‌های کم‌بازده (که تعداد آن‌ها در کشور حدود ۲۰ تا ۲۱ میلیون دستگاه تخمین زده می‌شود)، نیز می‌تواند تأثیر بسزایی در صرفه‌جویی گاز داشته باشد. در لایه خرد نیز با رواج فرهنگ صرفه‌جویی در خانوارها می‌توان شاهد کاهش قابل توجه مصرف بود و از بروز بحران در زمان اوج مصرف جلوگیری کرد. علاوه بر این، استفاده صنایع از سوخت‌های جایگزین را نیز می‌توان راهکاری برای عبور از دوره سخت اوج مصرف در زمستان دانست.

گاز روسیه راهکاری حل ناترازی

اما رویکرد بعدی، اثرگذاری در بخش عرضه گاز است؛ جایی که می‌توان با دیپلماسی انرژی فعال و تقویت منابع تأمین گاز کشور، هم از میزان ناترازی و بحران در اوج مصرف کاست و هم در بلندمدت، افزایش بهره‌وری شبکه گازی کشور، توسعه روابط و افزایش صادرات و در نهایت تبدیل شدن کشور به مرکز تبادلات و تعاملات گاز در منطقه را پیگیری کرد و در مسیر تحقق آن گام برداشت. مهم‌ترین راهکار موجود در شرایط فعلی کشور را می‌توان استفاده از ظرفیت تولید و صادرات گاز روسیه، به‌عنوان کشوری دارای بزرگ‌ترین منابع و ذخایر گازی جهان، دانست. در همین راستا، ولادیمیر پوتین در ژانویه سال ۲۰۲۵ اظهار کرد که صادرات گاز روسیه به ایران می‌تواند تا ۵۵ میلیارد مترمکعب در سال (حدود ۱۵۵ میلیون مترمکعب در روز) افزایش پیدا کند. همچنین، مذاکرات متعددی بین دو کشور انجام شده و حتی می‌توان سفر اخیر مسعود پزشکیان و حضور او در نشست کشورهای تولیدکننده گاز در مسکو را نیز در همین راستا تعریف و تفسیر کرد.

در صورتی که بتوان فرآیند تدوین قرارداد واردات گاز از طریق جمهوری آذربایجان را تسریع کرد، واردات گاز می‌تواند مشکلات بخش قابل توجهی از استان‌های شمالی کشور را که طبق اعلام مدیرعامل شرکت ملی گاز جزو استان‌های مستعد کمبود و بحران در زمستان پیش‌رو هستند، مدیریت کند. از دیگر مزایای واردات از روسیه، برطرف کردن مشکلاتی است که شبکه گازی کشور در زمستان با آن‌ها روبه‌رو می‌شود. ایران عزیزمان در جنوب کشور دارای منابع عظیم گازی است، اما بخش مهمی از مصرف زمستانی در شمال و شمال‌شرق کشور اتفاق می‌افتد. همین مسئله در زمستان چالش‌هایی ایجاد می‌کند؛ از جمله افزایش شدید مصرف خانگی در استان‌های سردسیر، محدودیت ظرفیت انتقال گاز از جنوب به شمال در برخی نقاط شبکه، افزایش فشار بر خطوط انتقال و ایستگاه‌های تقویت فشار و رقابت میان مصرف خانگی، نیروگاه‌ها و صنایع برای دریافت گاز. در چنین شرایطی، واردات گاز از شمال کشور می‌تواند مزیت مهمی داشته باشد: گاز در نزدیکی بخشی از مراکز مصرف وارد شبکه می‌شود و لزوماً نیازی نیست تمام آن از جنوب کشور به شمال منتقل شود.

در واقع، واردات گاز روسیه فقط به معنای افزایش عرضه نیست، بلکه می‌تواند به مدیریت جغرافیایی شبکه گاز ایران نیز کمک کند. مجموعه دلایل و شواهد بر اهمیت واردات گاز از روسیه تأکید دارد و ضرورت تسریع فرآیندهای دیپلماتیک برای عملیاتی‌سازی قراردادها و نقشه‌راه‌های موجود را نشان می‌دهد. بنابراین عبور از ناترازی گاز در زمستان پیش‌رو، نیازمند اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ در دو سمت عرضه و تقاضاست. از یک سو، اصلاح الگوی مصرف، بهینه‌سازی تجهیزات گرمایشی و استفاده از ظرفیت‌های صرفه‌جویی می‌تواند بدون تحمیل هزینه‌های سنگین برای افزایش تولید، بخشی از ناترازی موجود را جبران کند و از سوی دیگر، فعال‌سازی دیپلماسی انرژی و تسریع در عملیاتی‌سازی توافق واردات گاز از روسیه، فرصتی برای تقویت امنیت انرژی و مدیریت بهتر شبکه گاز کشور فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، ضروری است سیاست‌گذار با نگاهی بلندمدت و متناسب با اقتضائات کشور، از تمام ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای برای عبور از چالش ناترازی و تضمین پایداری تأمین گاز استفاده کند.

نوبنیاد سخنان جدید مسعود پزشکیان را بررسی کرد؛

افزایش کالابرگ با حذف کالابرگ بگیران!

دولت چهاردهم از ابتدای اجرای سیاست ارزی و حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی در نیمه دی ماه سال گذشته اعلام کرد منابعی که پیش‌تر در ابتدای زنجیره تأمین به واردکنندگان کالاهای اساسی اختصاص می‌یافت، به انتهای زنجیره و مستقیماً به خانوارها منتقل خواهد شد. بر همین اساس، به هر ایرانی ساکن کشور ماهانه یک میلیون تومان اعتبار برای کالاهای اساسی اختصاص پیدا کرد. یکی از مهم‌ترین وعده‌های دولت این بود که مبلغ کالابرگ هر سه ماه یک‌بار و متناسب با تغییرات نرخ ارز و قیمت کالاهای اساسی بازنگری شود. با این حال، آنچه در عمل اتفاق افتاد با وعده پاستورنشینان فاصله دارد.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

دولت از اردیبهشت ماه امسال وعده افزایش اعتبار را مطرح کرد، اما این وعده تا نیمه مهرماه اجرایی نشد. در این مدت، نرخ ارز تجاری که مبنای تأمین ارز بخش مهمی از واردات کشور است، از حدود ۱۳۶ هزار تومان در ابتدای سال، دیروز به ۱۸۷ هزار و ۵۴۰ تومان رسید که افزایش ۳۷.۷ درصدی را تجربه کرده است. این تغییر به معنای افزایش هزینه تأمین مواد اولیه و کالاهای وارداتی و در نهایت فشار بیشتر بر قیمت مصرف‌کننده است. در چنین شرایطی، ثابت ماندن اعتبار کالابرگ به معنای کاهش قدرت خرید واقعی خانوارهاست. طبق گزارش مرکز آمار تورم ماهانه مهرماه امسال به ۴.۴ درصد، تورم نقطه به نقطه به ۸۸.۷ درصد و تورم سالانه به ۷۶.۸ درصد رسیده است. در چنین شرایطی، کالاهای خوراکی و نیازهای روزمره خانوارها با افزایش قیمت مواجه‌اند و اعتباری که قرار بود بخشی از هزینه سبد غذایی مردم را پوشش دهد، به‌تدریج از قدرت جبرانی خود فاصله گرفته است.

سرانجام دولت اعلام کرد از نیمه مهرماه اعتبار کالابرگ به میزان ۵۰۰ هزار تومان افزایش می‌یابد. در ابتدا از جمعیتی حدود ۴۰ تا ۴۴ میلیون نفر به‌عنوان مشمولان این افزایش نام برده شد، اما در مرحله اجرا دامنه برخورداری محدودتر شد. براساس اعلام احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، افزایش اعتبار برای حدود ۳۳.۵ میلیون نفر اعمال شده است. هرچند آمار سازمان هدفمندسازی از ۳۵ میلیون و ۱۲۰ هزار نفر برخوردار از افزایش اعتبار حکایت دارد. به این ترتیب، اعتبار ماهانه افراد مشمول از یک میلیون تومان به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید، اما بخش دیگری از خانوارها همچنان همان اعتبار یک میلیون تومان قبلی را دریافت می‌کنند.

دولت در توضیح علت محدود شدن افزایش اعتبار، کمبود منابع مالی را مطرح کرده است. این در حالی است که تصمیم افزایش نرخ سوم بنزین نیز با این علت اجرا شد که درآمد حاصل از آن به حمایت معیشتی و تأمین اعتبار کالابرگ اختصاص پیدا کند. اما مسئله کالابرگ فقط به تأخیر در افزایش اعتبار و تعداد مشمولان محدود نیست، بلکه بررسی‌ها نشان می‌دهد محاسبه دولت از ابتدا اشتباه بوده است. با این حال دولت در حالی از نبود منابع کافی برای افزایش اعتبار همه مشمولان سخن می‌گوید که پیش از این، سالانه حدود ۸ میلیارد دلار برای تأمین ارز کالاهای اساسی اختصاص می‌یافت. اگر همین ۸ میلیارد دلار با نرخ ۱۵۰ هزار تومان محاسبه شود، منابعی ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومان منابع حاصل می‌شود. تقسیم این رقم میان ۸۶ میلیون نفری که کالابرگ می‌گیرند، نشان می‌دهد به هر نفر حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان در ماه می‌رسد. از سوی دیگر، دولت در هفت ماه نخست امسال بیش از ۱۷.۵ میلیارد دلار درآمد وصول شده نقتی داشته است. این آمار نشان می‌دهد منابع ارزی حاصل از فروش نفت به کشور بازگشته است. در همین حال مردم حق دارند بدانند چرا با وجود درآمدهای نفتی و افزایش منابع حاصل از افزایش نرخ رسمی ارز، اعتبار کالابرگ همچنان با محدودیت مواجه است.

در چنین شرایطی، به جای آنکه دولت توضیح روشنی درباره نحوه تأمین منابع افزایش اعتبار کالابرگ ارائه کند، بحث حذف خانوارهای برخوردار از فهرست دریافت‌کنندگان کالابرگ جدی‌تر شده است. خبرهایی درباره حذف ۱۵ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر (دهک‌های نهم و دهم) و حتی حذف حدود ۳۰ درصد از دریافت‌کنندگان مطرح است. سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، نیز اعلام کرده است افرادی که وضعیت اقتصادی مناسبی دارند نباید انتظار دریافت این حمایت را داشته باشند.

پزشکیان: منابع باید به نیازمندان برسد

مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم نیز روز گذشته در جلسه شورای اطلاع رسانی دولت، بار دیگر بر ضرورت اصلاح سازوکار توزیع یارانه‌ها و هدایت منابع عمومی به سمت اقشار نیازمند تأکید کرد و گفت: کسانی که تمکن مالی دارند، نباید از منابع حمایتی که برای اقشار نیازمند در نظر گرفته شده است، استفاده کنند. وی با اشاره به ضرورت استفاده از الگوهای تجربه‌شده در سایر کشورها برای شناسایی و حذف افراد برخوردار از فهرست دریافت‌کنندگان حمایت‌های معیشتی، خواستار اولویت دادن به خانوارهای محروم و آسیب‌پذیر شد. رئیس جمهور با بیان اینکه اگر منابع کافی وجود داشت دولت می‌توانست حمایت‌های گسترده‌تری از همه اقشار انجام دهد، تصریح کرد: در شرایط فعلی باید ابتدا به کسانی رسید که بیشترین نیاز را دارند. او همچنین تأکید کرد نباید اجازه داد اقشار نیازمند زیر فشار تورم و مشکلات معیشتی قرار گیرند.

کالابرگ حق شهروندی بود!

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که دولت پیش از این، مبنای پرداخت کالابرگ را حمایت عمومی از معیشت و امنیت غذایی خانوارها اعلام کرده بود. البته سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، ۱۴ دی ماه ۱۴۰۴ و همزمان با حذف ارز ترجیحی، گفته بود: کالابرگ یارانه نیست، بلکه حق شهروندی است و به همه ایرانیان ساکن کشور تعلق می‌گیرد. او اعلام کرده بود منابع اجرای طرح از محل ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده، از جمله حدود ۱۰ میلیارد دلار منابع ارزی و بخشی از منابع صندوق توسعه ملی، تأمین خواهد شد. او با اطمینان از وجود منابع لازم سخن گفته و تأکید کرده بود که حمایت معیشتی به همه مردم تعلق می‌گیرد.

اکنون اما ۱۰ ماه پس از آن اظهارات، نه‌تنها افزایش اعتبار برای همه ایرانیان اجرا نشده، بلکه دولت از حذف بخشی از دریافت‌کنندگان برای تامین منابع افزایش نیمی از جمعیت کشور سخن می‌گوید. اگر کالابرگ حق شهروندی است، چرا برخورداری از افزایش اعتبار آن به تکمیل فرم خوداظهاری و عبور از معیارهای دارایی وابسته است و اگر از ابتدا قرار بوده این حمایت صرفاً به خانوارهای نیازمند اختصاص یابد، چرا مسئولان در آغاز اجرای طرح بر فراگیر بودن آن تأکید کردند؟

البته اصل اینکه خانوارهای ثروتمند و برخوردار از حمایت‌های یارانه‌ای بهره‌مند نشوند، قابل بحث نیست. در شرایط محدودیت منابع عمومی، اولویت دادن به خانوارهای کم‌درآمد و جلوگیری از پرداخت حمایت‌های غیرهدفمند می‌تواند بخشی از سیاست بازتوزیعی دولت باشد، اما مسئله اینجاست که شناسایی دقیق خانوارهای برخوردار همچنان با چالش‌های جدی روبه‌رو است. ممکن است خانواری صاحب یک واحد مسکونی با ارزش بالا باشد، اما درآمد ماهانه محدودی داشته باشد؛ یا فردی خودرویی با ارزش بالا در اختیار داشته باشد، اما این دارایی ابزار کار و تأمین معاش او باشد. از این رو، حذف خانوارها صرفاً بر اساس ارزش دارایی‌ها بدون توجه به درآمد مستمر، تعداد اعضای خانواده، بدهی‌ها، هزینه‌های درمان و شرایط واقعی زندگی می‌تواند به خطاهای جدی منجر شود.

تکرار فاجعه دی‌ماه با تصمیم جدید دولت

حسین صمصامی، اقتصاددان و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، می‌گوید: به دلیل سیاست‌های دولت، در حال حاضر ارز کالاهای اساسی هر روز هزار تومان گران‌تر می‌شود. تا یک ماه دیگر شرایط اقتصادی کشور از این که هست بدتر می‌شود؛ چراکه وزارت صمت نامه‌ای به بانک مرکزی داده است تا تنها چند قلم کالا از نرخ ۱۸۸ هزار تومانی استفاده کنند و بقیه کالاها با نرخ نزدیک به بازار آزاد تأمین شوند. این نامه یعنی قیمت بیش از ۴ هزار کالا را عمداً ۱۰۰ هزار تومان افزایش می‌دهند و در یکی‌پنجاه روز آینده، قیمت کالاها به‌شدت افزایش پیدا خواهد کرد. با این اتفاق، قیمت کالاها و خودرو حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش می‌یابد. در شرایطی که از ۴۵۳۳ قلم کالا حذف شده، همان سیاست‌های دی‌ماه سال گذشته در حال تکرار است. دی‌ماه سال گذشته چه اتفاقی رخ داد؟ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی حذف شد.

موج خبر

فروش غیرقانونی املاک بازنشستگان هواپیمایی هما

نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به دادستان کل کشور، از واگذاری غیرقانونی ۱۷ ملک متعلق به صندوق بازنشستگی هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) خبر داد و خواستار ورود دادستانی تهران به‌عنوان مدعی‌العموم، بررسی ابعاد این پرونده و برخورد با عوامل آن شد. علی خضریان در نامه خود به دادستان کل کشور نوشت: حسب اخبار و مستندات واصله، صندوق بازنشستگی هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) -ذیل صندوق بازنشستگی کشوری- بدون رعایت فرآیندهای قانونی، اقدام به فروش ۱۷ باب ملک متعلق به بازنشستگان محترم کرده است. حسب بررسی‌های انجام‌شده، با تخلف برخی از مدیران آن صندوق و بدون رعایت ضوابط و مقررات، املاک مذکور با وکالت غیرقانونی و بدون واریز مبالغ ارزش ملک‌ها به حساب مالک (صندوق بازنشستگی هما)، به نام افراد واگذار شده است. متأسفانه صندوق بازنشستگی کشوری و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان متولیان اموال بازنشستگان، علی‌رغم گذشت چند ماه از احراز این فساد، هیچ‌گونه اقدام حقوقی بابت ابطال وکالت‌نامه‌های غیرقانونی، جلوگیری از نقل‌وانتقال املاک مذکور و بازگرداندن دارایی بازنشستگان انجام نداده‌اند. با عنایت به اهمیت موضوع و حفظ و صیانت از دارایی‌های بازنشستگان، خواهشمند است دستور فرمایید دادستانی تهران به‌عنوان مدعی‌العموم نسبت به بررسی و برخورد با عوامل این موضوع در هر سطحی اقدام کند.

ماکارونی هم گران می‌شود؟

نرخ جدید گندم ماکارونی با تصمیم ستاد تنظیم بازار تعیین شده و از ابتدای آبان‌ماه، مبنای فروش این محصول از سوی شرکت بازرگانی دولتی ایران قرار گرفته است. براساس این تصمیم، قیمت هر کیلوگرم گندم ماکارونی از ۲۳ هزار و ۸۵۰ تومان به ۶۰ هزار تومان رسیده است؛ به این ترتیب، بهای این نهاده تولیدی حدود ۱۵۱ درصد افزایش یافته و به حدود ۲.۵ برابر نرخ قبلی رسیده است. قرار است شرکت بازرگانی دولتی ایران، گندم مصرفی ماکارونی را با نرخ جدید در اختیار کارخانه‌های تولیدکننده ماکارونی، نان صنعتی و نان‌های حجیم و نیمه‌حجیم قرار دهد. افزایش نرخ گندم به‌عنوان اصلی‌ترین ماده اولیه تولید ماکارونی، هزینه تمام‌شده تولید این محصول را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ محصولی که در میان کالاهای سبد کالابرگ الکترونیکی جایگاه ویژه‌ای دارد و از جمله اقلامی است که با آرد تولید می‌شود. پیش‌تر، محمدجواد کرمی، رئیس کارگروه آرد و نان اتاق اصناف تهران، از افزایش قیمت گندم و حذف آرد نوع ۶ در زنجیره توزیع خبر داده و گفته بود: قیمت گندم از ۲۹ هزار و ۵۰۰ تومان به حدود ۶۰ هزار تومان افزایش یافته که با احتساب هزینه‌های حمل‌ونقل، قیمت نهایی گندم برای تأمین‌کنندگان به حدود ۸۰ هزار تومان می‌رسد و این موضوع بر قیمت تمام‌شده آرد تأثیر می‌گذارد.

نیسان آبی گران شد

شرکت زامیاد با ارسال نامه‌ای به سازمان بورس و اوراق بهادار، افزایش قیمت پایه چهار محصول تجاری سبک خود را اعلام کرد. براساس این نامه که روی سامانه کُدال قرار گرفته، آمده است: بر مبنای محاسبات صورت‌گرفته، بیشترین میزان افزایش قیمت به وانت‌های خانواده زامیاد اختصاص دارد؛ به‌طوری که قیمت پایه «زامیاد **EX** دوگانه‌سوز» با رشد ۴ میلیارد و ۲۲۲ میلیون ریالی همراه شده و بهای پایه «زامیاد **EX** تک‌سوز» نیز ۳ میلیارد و ۴۶۶ میلیون ریال افزایش یافته است. در سوی دیگر این مصوبه، خودروهای پادرا پلاس با شیب ملایم‌تری افزایش قیمت داشته‌اند؛ نرخ پایه «پادرا پلاس تک‌سوز ۸۵ گانه» یک میلیارد و ۷۱۸ میلیون ریال بالا رفته و بهای پایه مدل «پادرا پلاس دوگانه‌سوز ۸۵ گانه» نیز افزایشی معادل یک میلیارد و ۲۳۲ میلیون ریال را ثبت کرده است. مدیرعامل زامیاد در این نامه تأکید کرد که اعمال نرخ‌های جدید، با فرض تحقق حجم فروش برآوردشده، درآمدی بالغ بر ۱۷۶ میلیارد و ۱۸۷ میلیون ریال فراتر از پیش‌بینی‌های گزارش تفسیری شهریورماه برای شرکت محقق می‌کند.

یادداشت

بهشت اروپا در آتش اعتراضات

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

اروپا روزهای پرالتهابی را پشت سر می‌گذارد. در فرانسه، صدها هزار نفر علیه گرانی و سیاست‌های دولت به خیابان آمده‌اند. در آلمان، جنبش اعتراضی نسل جوان با شعار «نسل زد دست به کار می‌شود» ده‌ها شهر را دربرگرفته است. ایتالیا شاهد اعتصاب عمومی و اعتراض به هزینه‌های زندگی و افزایش بودجه نظامی است و پرتغال با بحران مسکن دست‌وپنجه نرم می‌کند. در آلبانی نیز معترضان خواستار کناره‌گیری نخست‌وزیر شده‌اند.

اما شاید معنادارترین تصویر این روزها از سوئیس مخابره شده باشد. جایی که معترضان با شعار «ما هم به ستوه آمده‌ایم»، خیابان‌های زوریخ و بازل را به صحنه اعتراض تبدیل کردند. کشوری که روزگاری نماد آرمان‌شهر غرب‌گرایان بود، اکنون از تب نارضایتی اجتماعی در امان نمانده است.

این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که اروپا با پیامدهای اقتصادی جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران نیز مواجه است. جنگی که برخی رهبران اروپایی نه‌تنها آن را محکوم نکردند، بلکه آشکارا از آن حمایت کردند.

فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان در حاشیه نشست گروه هفت در کانادا، با تمجید از حملات اسرائیل به ایران گفته بود: «این کار کثیفی است که اسرائیل برای همه ما انجام می‌دهد.»

مارک روته، دبیرکل ناتو، نیز از عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران تمجید کرده و تضعیف توانمندی‌های هسته‌ای و موشکی تهران را به سود امنیت اروپا دانسته بود. اورسولا فون‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا، اعلام کرده بود: «نباید برای چنین رژیمی اشک ریخت.»

ادی راما، نخست‌وزیر آلبانی، نیز صراحتاً از حمایت نظامی دولت ترامپ از اسرائیل پشتیبانی کرده و خواستار تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران شده بود. همان نخست‌وزیری که اکنون با اعتراضات خیابانی و درخواست کناره‌گیری مواجه است.

حمایت‌ها صرفاً لفظی نبود. انگلیس پایگاه‌های نظامی خود، از جمله فرفورد، را در اختیار عملیات هوایی آمریکا قرار داد و برخی متحدان اروپایی نیز پشتیبانی لجستیکی فراهم کردند.

اکنون اختلال در مسیرهای انتقال انرژی، افزایش قیمت گاز و فشار بر اقتصاد اروپا، هزینه‌های این ماجراجویی را سنگین‌تر کرده است. رویترز هشدار داده که اروپا حتی در صورت پایان جنگ نیز ممکن است دست‌کم یک سال دیگر با قیمت بالای گاز مواجه باشد.

دولت‌هایی که سال‌ها در کنار واشنگتن، فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی علیه مردم ایران را همراهی کردند، اکنون خود با پیامدهای اقتصادی سیاست‌های جنگ‌طلبانه مواجه شده‌اند. نزدیک به نیم‌قرن فشار بر معیشت ایرانیان، امروز از زاویه‌ای دیگر به بحث سیاسی در پایتخت‌های اروپایی بازگشته است.

اروپایی که زمانی برای ایران نسخه فشار اقتصادی می‌پیچید، امروز خود با بحران معیشت دست‌وپنجه نرم می‌کند.

بین الملل

همسایگان قربانی سیاست آمریکا



بسته ماندن گذرگاه‌های مرزی ایران در پی فشارهای آمریکا علیه کشورمان و فشارهای واشنگتن بر کشورهای همسایه، تجارت و مبادلات اقتصادی غرب آسیا را با بحران مواجه کرده است؛ سیاستی که دامنه خسارت‌های آن از مرزهای ایران فراتر رفته و زندگی مردم کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

در عراق، بسته شدن گذرگاه الشیب در استان میسان، مقابل مرز چذابه، اعتراض رانندگان کامیون، تاکسی‌داران و کارگران را برانگیخته است. معترضان با تجمع مقابل استانداری خواستار بازگشایی این گذرگاه شدند و اعلام کردند تعطیلی مرز، معیشت حدود چهار هزار نفر را مختل کرده و اقتصاد محلی را به رکود کشانده است. در پاکستان نیز توقف واردات گاز مایع ایران، کمبود این فرآورده و افزایش شدید قیمت‌ها را به دنبال داشته است؛ به‌گونه‌ای که قیمت کپسول ۱۲ کیلویی از حدود ۴۵۰۰ روپیه به بیش از ۷۰۰۰ روپیه رسیده و در برخی مناطق از ۸۲۰۰ روپیه فراتر رفته است. این تحولات در حالی رخ می‌دهد که فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا برای محدودسازی همکاری همسایگان با ایران، هزینه سنگینی بر دوش مردم منطقه گذاشته است. واشنگتن که مدعی حمایت از ثبات منطقه است، با سیاست‌های جنگ‌طلبانه و فشارهای یک‌جانبه خود، تجارت، امنیت انرژی و معیشت میلیون‌ها نفر را با تهدید مواجه کرده است.

شروط جدید ایران پرده از کاستی‌های تفاهم اسلام‌آباد برداشت

روایت سرلشکر از ضعف‌های اسلام‌آباد

سخنان محسن رضایی درباره اصلاح اشتباهات تفاهم اسلام‌آباد، بار دیگر ادعاهای پرطمطراق دستاوردسازان این تفاهم‌نامه را زیر سؤال برد. اعتراف به ابهامات حقوقی درباره مدیریت تنگه هرمز و ضرورت جلوگیری از نسیه ماندن مطالبات ایران، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا حامیان «بزرگ‌ترین دستاورد جنگ» هنگام تنظیم تفاهم‌نامه به چنین مسائل اساسی توجه نکردند؟



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

سخنان تازه محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، درباره اشتباهات تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و اصلاح آن‌ها در شروط هفت‌گانه جدید ایران، بار دیگر پرسش‌های جدی درباره کیفیت تنظیم این تفاهم‌نامه و ادعاهای پرطمطراق حامیان آن ایجاد کرده است. اکنون کسانی که روزگاری تفاهم اسلام‌آباد را بزرگ‌ترین دستاورد جنگ و سند شکست آمریکا معرفی می‌کردند، دست‌کم باید بپذیرند که انتقادات مطرح‌شده درباره بندهای آن نه از سر مخالفت سیاسی، بلکه ناظر به اشکالاتی واقعی بوده است.

محسن رضایی شامگاه شنبه با اشاره به تفاوت شروط جدید ایران با تفاهم اسلام‌آباد اعلام کرد که در متن پیشین، درباره مدیریت تنگه هرمز عبارت «با رعایت حقوق بین‌الملل» گنجانده شده بود که زمینه تفسیرهای متفاوت را فراهم می‌کرد اما در شروط جدید، ابهامات برطرف شده است. وی همچنین از پیش‌بینی ترتیباتی خبر داد که براساس آن، دریافت وجوه دیگر مانند گذشته نسیه نباشد.

همین دو جمله محسن رضایی کافی است تا بسیاری از تبلیغات ماه‌های گذشته درباره تفاهم اسلام‌آباد مورد بازنگری قرار گیرد.

اظهارات وی نشان می‌دهد که متن پیشین، برخلاف ادعاهای برخی حامیان آن، دارای ابهامات حقوقی و نواقص اجرایی بوده که اکنون ضرورت اصلاح آن‌ها مطرح شده است. همچنین تأکید دبیر شورای عالی امنیت ملی بر اتخاذ ترتیبات جدید برای جلوگیری از نسیه ماندن مطالبات ایران، حکایت از ضعف سازوکارهای تضمین دریافت وجوه در تفاهم قبلی دارد. موضوعی که می‌بایست از همان ابتدا مورد توجه تنظیم‌کنندگان تفاهم‌نامه قرار می‌گرفت تا منافع قطعی ایران به وعده‌ها و تعهدات احتمالی طرف آمریکایی گره نخورد.

واقعیت این است که صرف تنظیم تفاهم‌نامه به دو زبان فارسی و انگلیسی، به تنهایی مانع سوءاستفاده طرف مقابل نمی‌شود. مسئله اصلی، محتوای حقوقی تعهدات، ترتیب اجرای آن‌ها، ضمانت‌های اجرایی و امکان راستی‌آزمایی است. موضوعاتی که ظاهراً در هیاهوی دستاوردسازی کمتر مورد توجه قرار گرفت. جالب آنکه در همان زمان نیز درباره بند مربوط به مدیریت تنگه هرمز هشدارهایی مطرح شده بود. اکنون روشن است که نگرانی از تفسیرپذیری این بند، مسئله‌ای بی‌اساس نبود.

موضوع مهم‌تر به تعهدات مالی تفاهم اسلام‌آباد بازمی‌گردد. تأکید سردار رضایی بر ضرورت دریافت نقدی و تضمین‌شده وجوه، نشان‌دهنده اهمیت مسئله‌ای است که باید از همان ابتدا در دستور کار تنظیم‌کنندگان تفاهم‌نامه قرار می‌گرفت. پیش‌بینی سازوکارهای روشن، الزام‌آور و قابل راستی‌آزمایی برای اجرای تعهدات مالی آمریکا، ضرورتی اساسی برای صیانت از منافع ملی بود تا طرف مقابل نتواند در برابر امتیازات عملی و فوری ایران، صرفاً به وعده‌های آینده و تعهدات فاقد ضمانت اجرایی بسنده کند. فاصله میان وعده روی کاغذ و دستاورد واقعی در اقتصاد، همان نکته‌ای است که دستاوردسازان باید درباره آن پاسخ دهند.

با انتشار نامه ونس به ایران، برخی از رسانه‌ها و شخصیت‌های اصلاح‌طلب از جمله عباس آخوندی، حسین موسویان، روزنامه جمهوری اسلامی و... چنان به وجد آمدند که گویی فتح‌الفتوحی در عرصه دیپلماسی رخ داده است. این در حالی است که اگر آمریکا خواهان بازگشت به میز مذاکره است، این بار باید شروط صریح و اعلام‌شده ایران را بپذیرد، نه آنکه بار دیگر با وعده‌های مبهم و تعهدات نسیه، به دنبال امتیازگیری از تهران باشد.

حافظه تاریخی ملت ایران نباید قربانی ذوق‌زدگی دلالان مذاکره شود. این ایران نبود که سه بار زیر میز مذاکره زد بلکه آمریکا بود که با اقدامات خصمانه و نقض روند دیپلماتیک، مسیر گفت‌وگو را برهم زد. بنابراین، اکنون نوبت واشنگتن است که با ارائه تضمین‌های معتبر و پذیرش مطالبات مشروع ایران، حسن‌نیت خود را در عمل اثبات کند. نامه‌نگاری و ابراز تمایل به مذاکره، بدون پذیرش مسئولیت اقدامات گذشته و تضمین اجرای تعهدات آینده، دستاوردی برای ایران نخواهد داشت.

اکنون زمان آن رسیده است که غرب‌زدگان، دلالان مذاکره و دستاوردسازان اسلام‌آباد، به‌جای اصرار بر بی‌نقص جلوه دادن گذشته، یک‌بار دیگر مسیر طی‌شده را مرور کنند.

پذیرفتن اشتباهات تفاهم‌نامه نه تضعیف دستاوردهای کشور، بلکه ضرورتی برای جلوگیری از تکرار خطاست.

عبور از وعده‌های فریب

تأکید سردار رضایی بر ضرورت دریافت قطعی و نقدی پول‌های بلوکه شده به جای وعده‌های نسیه در اسلام‌آباد، نشان‌دهنده اهمیت مسئله‌ای است که باید از همان ابتدا در دستور کار تنظیم‌کنندگان تفاهم‌نامه قرار می‌گرفت. پیش‌بینی سازوکارهای روشن، الزام‌آور و قابل راستی‌آزمایی برای اجرای تعهدات مالی آمریکا، ضرورتی اساسی برای صیانت از منافع ملی بود تا طرف مقابل نتواند در برابر امتیازات عملی و فوری ایران، صرفاً به وعده‌های آینده و تعهدات فاقد ضمانت اجرایی بسنده کند.

تفویض مسئولیت به سرلشکر رضایی، خبر از بازنگری ساختار تصمیم‌گیر و عبور از تجربه تلخ آتش‌بس را دارد

بازگشت پرونده مذاکرات به شعام

مجموعه‌ای از تحولات و نشانه‌ها در روزهای اخیر از تغییر مهمی در ترکیب کارگزاری مذاکرات و مسئولیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی حکایت دارد؛ تحولاتی که پس از عزل محمدباقر ذوالقدر از دبیری شورای عالی امنیت ملی، دومین پیام معنادار درباره ارزیابی منفی از روند اسلام‌آباد، عملکرد مسئولان دخیل در مذاکرات آتش‌بس و تفاهمی است که با وجود تبلیغات گسترده بانیانش، نتوانست اعتماد و تعهدپذیری آمریکا را تضمین کند.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

روزهای گذشته نشانه‌هایی مهم تغییر در کارگزاری و مسئولیت مذاکرات در ساختار سیاسی کشور را نشان داد که بیش از هرچیز در پرتو تجربه تلخ اسلام‌آباد اتفاق افتاد. نخستین نشانه این تغییر را باید در نامه‌نگاری جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، با سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، جست‌وجو کرد. این نامه‌نگاری از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد طرف آمریکایی تحولات مربوط به کارگزاری و مسئولیت مذاکرات در ایران و کنار رفتن محمدباقر قالیباف از محور تصمیم‌گیری‌های این پرونده را به‌خوبی رصد کرده است. به نظر می‌رسد واشنگتن با درک انتقال مسئولیت مذاکرات به محسن رضایی، مسیر مکاتبه با دبیر شورای عالی امنیت ملی را انتخاب کرده است؛ آن هم در شرایطی که میان جایگاه حقوقی و سیاسی ونس و سرلشکر رضایی تناسبی وجود ندارد.

روزنامه وال‌استریت ژورنال از نامه‌نگاری ونس با سرلشکر رضایی خبر داد و واشنگتن پست نیز در تحلیلی نوشته است: «دولت ترامپ، رضایی را تنها شخصیتی می‌داند که قادر به ادامه مذاکرات است». فارغ از ارزیابی رسانه‌های آمریکایی، اصل این تحولات نشان می‌دهد که معادله کارگزاری مذاکرات در تهران تغییر کرده و طرف آمریکایی نیز این جابه‌جایی را در محاسبات خود لحاظ کرده است.

نشانه دوم، اعلام رسمی سرلشکر محسن رضایی درباره بازگشت مسئولیت دیپلماسی دوران جنگ به شورای عالی امنیت ملی و دبیرخانه این شورا است. رضایی در تشریح این موضوع گفت: «در حال حاضر، مسئله دیپلماسی در دوران جنگ، در این چارچوب، در حیطه وظایف شورای عالی امنیت ملی قرار دارد؛ اما دیپلماسی خارج از شرایط امنیتی و دوران جنگ، بر عهده دولت و وزارت امور خارجه است. اکنون که در شرایط جنگی قرار داریم، شورای عالی امنیت ملی مسئولیت این حوزه را بر عهده دارد؛ البته این شورا خارج از دولت نیست. در حال حاضر، رئیس شورای عالی امنیت ملی، شخص رئیس جمهور است و وزیر امور خارجه و فرماندهان نیروهای مسلح نیز عضویت این شورا را بر عهده دارند.» این اظهارات عملاً از بازتعریف ساختار مسئولیت سیاست خارجی در شرایط جنگی حکایت دارد؛ ساختاری که در آن، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و شخص دبیر شورا نقش محوری در مدیریت پرونده دیپلماسی خواهند داشت.

پایان کار کمیته‌های قالیباف

در همین چارچوب، گمانه‌زنی‌ها درباره تشکیل شورای ۶ نفره تعیین کننده سیاست خارجی به ریاست محسن رضایی و با حضور سران قوا، وزیرانی از دولت و فرماندهان نظامی مطرح شده است. همچنین برخی اخبار و تحلیل‌ها از انحلال ساختار پیشین مذاکرات و کمیته‌هایی حکایت دارد که متشکل از مشاوران پرحاشیه محمدباقر قالیباف و تیم رسانه‌ای و تبلیغاتی نزدیک به او بودند؛ ساختاری که به‌جای برخورداری از جایگاه رسمی و روشن، با انتشار روایت‌های خاص از مذاکرات و تفاهم اسلام‌آباد و حمله به منتقدان و کارشناسان، تلاش می‌کرد روایت خود را به‌عنوان موضع رسمی کشور جا بیندازد.

در این میان، آجرلو، از مشاوران پرحاشیه قالیباف، در شرایطی با عنوان عضو کمیته رسانه‌ای مذاکرات با شبکه المیادین گفت‌وگو کرده که اساساً درباره اعتبار و جایگاه این کمیته‌ها ابهامات جدی وجود داشته است. برخی فعالان رسانه‌ای نیز از انحلال این کمیته‌ها به دستور یک مقام ارشد امنیتی خبر داده‌اند.

برخی منابع رسانه‌ای در این زمینه عنوان کردند: «کمیته رسانه‌ای مذاکرات به دستور یک مقام ارشد امنیتی منحل شد. با این حال این افراد در اقدامی غیرقانونی برای معتبرسازی خودشان، همچنان از این عنوان استفاده می‌کنند تا حرفشان مورد توجه قرار بگیرد.» این تحولات در کنار یکدیگر، از پایان یافتن دوره‌ای حکایت دارد که در آن حلقه‌ای از مشاوران و نزدیکان سیاسی، با ایجاد ساختارهای موازی و رسانه‌ای، درصدد اثرگذاری بر روایت رسمی مذاکرات بودند.

اسلام‌آباد؛ سند افتخار یا پرونده شکست؟

اما برای فهم اهمیت این تغییرات باید به مواضع صریح رهبری درباره تجربه اسلام‌آباد بازگشت. ایشان پیش‌تر در پیامی روشن اعلام کرده بودند که در خصوص مذاکرات، علی‌الاصول نظر دیگری داشته‌اند. همچنین در ۲۷ تیرماه، با اشاره به نقض تعهدات آمریکا تصریح کردند: «نقض عهدهای مکرر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضاشده بین رئیس جمهوران ایران و آمریکا، بار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس جمهور آمریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگویی، تمامیت‌خواهی و وحشی‌گری، اجزای لاینفک مرام و مسلک آمریکایی می‌باشد. امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تا این تجربه تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغگویی، غیرمنطقی و غیرقابل اعتماد و پلید بودن آمریکا باشد.»

پیش از تحولات اخیر و پس از مواضع روشن رهبر انقلاب، عزل محمدباقر ذوالقدر از دبیری شورای عالی امنیت ملی، جایگزینی سرلشکر محسن رضایی به‌عنوان نماینده رهبری در این شورا و سپس صدور حکم دبیری شعام از سوی رئیس جمهور، نشانه‌هایی از بازنگری در سازوکار تصمیم‌گیری و آسیب‌شناسی تجربه اسلام‌آباد بود.

اکنون نیز سپردن مسئولیت پرونده مذاکرات و سیاست خارجی دوران جنگ به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و شخص سرلشکر محسن رضایی، معنایی فراتر از یک جابه‌جایی اداری دارد. این تغییرات نشان می‌دهد تجربه اسلام‌آباد، برخلاف ادعاهای تبلیغاتی بانیان آن، ظاهراً به‌عنوان سند افتخار، پیروزی و سرافرازی در ساختار تصمیم‌گیری کشور شناخته نمی‌شود؛ بلکه پیامدهای آن، ضرورت بازنگری در شیوه مذاکره، ترکیب کارگزاران و سازوکار نظارت بر تعهدات طرف آمریکایی را برجسته کرده است. اسلام‌آباد حالا بیش از آنکه یک الگوی قابل تکرار باشد، تجربه‌ای است که ساختار سیاست خارجی کشور ناگزیر به درس گرفتن از آن شده است.

پیام روشن واگذاری مسئولیت به سرلشکر رضایی

نامه‌نگاری جی‌دی ونس با سرلشکر محسن رضایی، اعلام رسمی بازگشت دیپلماسی دوران جنگ به شورای عالی امنیت ملی و گمانه‌زنی‌ها درباره انحلال کمیته‌های رسانه‌ای و مذاکراتی نزدیک به قالیباف، از تغییر آرایش تصمیم‌گیری در پرونده سیاست خارجی حکایت دارد؛ تغییری که در بطن خود حامل این پیام است که تجربه اسلام‌آباد نه یک سند افتخار، بلکه پرونده‌ای نیازمند آسیب‌شناسی و اصلاح است.

یادداشت

FATF؛ وعده‌های بی‌پشتوانه و فرار رو به جلوی مدعیان

علی‌اکبر فدایی
روزنامه‌نگار

پرونده **FATF** بار دیگر به صحنه طرح ادعاهای بدون پشتوانه تبدیل شده است. مرکز اطلاعات مالی وزارت اقتصاد مدعی است وضعیت ایران در این پرونده پیشرفت داشته و این موضوع حتی در بیانیه اخیر گروه ویژه اقدام مالی نیز منعکس شده است؛ ادعایی که بررسی متن بیانیه اکتبر ۲۰۲۶ به‌سادگی آن را زیر سؤال می‌برد. در متن منتشرشده نه عبارتی درباره پیشرفت ایران وجود دارد و نه نشانه‌ای از بهبود وضعیت کشور دیده می‌شود. بنابراین چرا باید گزارشی که هیچ تغییری در وضعیت ایران اعلام نکرده، به‌عنوان دستاورد معرفی شود؟ آیا با یک فرار رو به جلو برای توجیه هزینه‌های سیاسی و اقتصادی پذیرش لوایح **FATF** مواجه نیستیم؟

واقعیت آن است که **FATF** طی سال‌های گذشته به یکی از محورهای ثابت جریان سیاسی مدافع مذاکره و توافق با غرب تبدیل شده بود. حسن روحانی بارها اعلام می‌کرد بدون تصویب لوایح **FATF** روابط بانکی ایران با جهان برقرار نمی‌شود و هیچ سرمایه‌گذار داخلی و خارجی حاضر به سرمایه‌گذاری نخواهد بود. محمدجواد ظریف نیز در جریان بررسی **CFT** در مجلس در دولت روحانی، مدعی بود نپیوستن به آن بهانه مهمی برای افزایش فشارهای آمریکا فراهم می‌کند. این همان منطق آشنای جریان برجامی بود: ابتدا وعده گشایش اقتصادی، سپس معرفی یک مانع جدید و در نهایت مطالبه امتیاز بیشتر. مسعود پزشکیان نیز از زمان انتخابات و پس از استقرار دولت، همین مسیر را دنبال کرد. او در نخستین نشست خبری خود در شهریور ۱۴۰۳ گفت: «چاره‌ای جز حل بحث **FATF** نداریم». پزشکیان بارها حل **FATF** و برجام را در کنار اصلاح روابط خارجی، لازمه رونق تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری معرفی کرد و برای تصویب لوایح پالرمو و **CFT** فشار آورد؛ مسیری که سرانجام در سال ۱۴۰۴ به تصویب این لوایح در مجمع تشخیص مصلحت نظام انجامید.

اما حاصل این همه وعده و هزینه چه شد؟ در سه سال دولت شهید رئیسی، بدون احیای برجام و بدون پیوستن به **FATF**، صادرات نفت ایران از رقم فاجعه‌بار حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز در پایان دولت روحانی در سال ۱۴۰۰، به نزدیک دو میلیون بشکه در روز رسید. این تجربه نشان داد که برخلاف تصویرسازی جریان برجامی، اراده سیاسی، خنثی‌سازی تحریم‌ها و گسترش مسیرهای تجاری می‌تواند بسیار مؤثرتر از چشم دوختن به تأیید نهادهای غربی باشد.

با وجود تصویب پالرمو و **CFT**، نه تنها گشایش وعده داده‌شده محقق نشد، بلکه حتی گزارش‌دهی **FATF** درباره ایران نیز نشانه‌ای از بهبود وضعیت کشور ارائه نکرده است. جریانی که روزی با پیوند زدن نان مردم به برجام و **FATF** انتظارات اقتصادی را بالا می‌برد، امروز نیز با القای بن‌بست و ترساندن جامعه از آینده، انتظارات تورمی را تحریک و اختلافات داخلی را تشدید می‌کند. مردم حق دارند بدانند هزینه امتیازدهی‌ها چه بوده و چرا وعده‌دهندگان گشایش، پس از هر ناکامی، به‌جای پاسخگویی، مطالبه امتیاز تازه‌ای را روی میز می‌گذارند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

خبرنگاران؛ قربانیان استانداردهای دوگانه

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

۱۱ آبان، روز جهانی پایان دادن به مصونیت از مجازات جنایات علیه خبرنگاران است؛ مناسبتی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳، پس از کشته‌شدن دو خبرنگار فرانسوی در مالی، با تصویب قطعنامه‌ای به رسمیت شناخت. ظاهراً جامعه جهانی به این نتیجه رسیده بود که قتل خبرنگاران آن‌قدر اهمیت دارد که باید روزی را به ضرورت مجازات عاملان آن اختصاص داد. تصمیمی قابل دفاع که البته امروز بیش از هر زمان دیگری، تناقض‌های مدعیان آن را آشکار می‌کند.

مسئله اینجاست که سازمان ملل برای کشته‌شدن دو خبرنگار غربی قطعنامه صادر می‌کند و روزی را به نام پایان مصونیت از مجازات نام‌گذاری می‌کند، اما در برابر قتل شمار بی‌سابقه‌ای از خبرنگاران در غزه، از سال ۲۰۲۳ تاکنون، عملاً چه کرده است؟ اسرائیل در این مدت ده‌ها و صدها خبرنگار و فعال رسانه‌ای را به قتل رسانده، بی‌آنکه سازوکار مؤثری برای پاسخ‌گوکردن عاملان این جنایات شکل بگیرد. آیا مصونیت از مجازات نیز مانند بسیاری دیگر از مفاهیم حقوق بشری، تابع جغرافیا و هویت قربانیان است؟

ماجرا به غزه هم محدود نماند. اسرائیل با همان اطمینان از مصونیت، در جریان جنگ دوازده‌روزه، ساختمان سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران را در تهران هدف قرار داد؛ حمله‌ای که به شهادت نیما رجب‌پور، دبیر خبر شبکه خبر، و معصومه عظیمی، از کارکنان صداوسیما، انجامید. مگر می‌شود مدعی دفاع از آزادی رسانه بود، اما در برابر حمله به یک رسانه و کشته‌شدن کارکنان آن سکوت کرد؟ بله می‌شود؛ چون سازمان ملل در برابر جنایات اسرائیل نسبت به خبرنگاران جز سکوت اقدامی نکرده است!

نکته تأمل‌برانگیز آن است که در ادبیات سیاسی غرب، امنیت خبرنگاران از ارزش‌های بنیادین دموکراسی معرفی می‌شود، اما همین ارزش‌ها وقتی پای اسرائیل به میان می‌آید، ناگهان با ملاحظات سیاسی و امنیتی به حاشیه رانده می‌شوند. گویی خبرنگار تنها تا زمانی شایسته حمایت است که روایتش با منافع قدرت‌های مسلط تعارض نداشته باشد.

این در حالی است که خبرنگار بخشی از حافظه تاریخی یک جامعه است. با کشته‌شدن او، امکان ثبت یک حقیقت و انتقال یک روایت نیز از میان می‌رود.

مشخصاً مشکل ما با نام‌گذاری چنین روزی نیست؛ سخن بر سر فاصله مضحک میان شعار و عمل است. سازمان ملل که برای دو خبرنگار غربی قطعنامه صادر می‌کند، نمی‌تواند در برابر قتل خبرنگاران غزه و حمله به رسانه‌ای در تهران به تماشاگر منفعل تبدیل شود. در غیر این صورت، این مناسبت نه نماد دفاع از حقیقت، بلکه سند دیگری از ورشکستگی اخلاقی نظم بین‌المللی و استانداردهای دوگانه مدعیان حقوق بشر خواهد بود.

وقتی جشنواره‌ها به جای ساختن جریان سینمایی، محل تکرار یکدیگر می‌شوند

جشنواره‌زدگی، آفت تازه سینمای ایران

جشنواره فیلم مقاومت در حالی دوره جدید خود را پشت سر می‌گذارد که یک پرسش قدیمی درباره ساختار جشنواره‌ای سینمای ایران همچنان بی‌پاسخ مانده است. چرا بخش قابل توجهی از جشنواره‌های سینمایی کشور به جای آن که هویت مستقل خود را بسازند، به ایستگاه دیگری برای نمایش فیلم‌های تولیدشده و دیده‌شده در جشنواره فجر تبدیل می‌شوند؟ امسال از ۱۸ فیلم سینمایی داخلی جشنواره مقاومت، تنها ۶ فیلم برای نخستین بار در این رویداد نمایش داده می‌شوند و شماری از آثار حاضر پیش از این در جشنواره فجر روی پرده رفته‌اند. این مسئله فقط درباره مقاومت نیست. سینمای ایران با مجموعه‌ای گسترده از جشنواره‌های موضوعی، تخصصی و منطقه‌ای مواجه است که بسیاری از آنها در تولید جریان، کشف استعداد، ایجاد بازار، ارتباط بین‌المللی و حتی جذب مخاطب عمومی، خروجی متناسب با هزینه و انرژی صرف‌شده ندارند. مشکل از جایی آغاز می‌شود که فیلم‌ها میان چند جشنواره داخلی دست به دست می‌شوند. بدون آنکه هر جشنواره بتواند جایگاه مشخص و اثرگذاری مستقلی در زیست‌بوم سینمای ایران پیدا کند.



محمد قربانی
روزنامه‌نگار

جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت امسال با آمار قابل توجهی از حضور خارجی برگزار شده است. بیش از ۱۹۰۰ اثر از ۱۰۹ کشور به دبیرخانه رسیده و بیش از ۱۲۰۰ اثر داخلی نیز در بخش‌های مختلف تأیید شده است. در بخش سینمایی داخلی ۱۸ فیلم حضور دارند و دبیرخانه اعلام کرده که ۶ فیلم برای نخستین بار در جشنواره مقاومت به نمایش درمی‌آیند.

این آمار از یک جهت امیدوارکننده است، اما از جهت دیگر همان مسئله‌ای را برجسته می‌کند که سال‌هاست در جشنواره‌های سینمایی ایران تکرار می‌شود. در میان فیلم‌های بخش بلند مقاومت آثاری مانند «سرزمین فرشته‌ها»، «کوچ»، «کارواش»، «نیم‌شب»، «لباس شخصی» و «جهان مبهم هاتف» دیده می‌شود که بخش مهمی از آنها پیش‌تر در جشنواره فجر حضور داشته‌اند. برای نمونه، «سرزمین فرشته‌ها»، «کوچ»، «کارواش»، «نیم‌شب» و «جهان مبهم هاتف» در فهرست فیلم‌های چهل‌وچهارمین جشنواره فجر نیز قرار داشتند.

البته مشکل فقط انتخاب فیلم‌های فجر برای جشنواره‌های بعدی نیست. مسئله مهم‌تر، جایگاه و کارکرد جشنواره‌ها در سیاست فرهنگی کشور است. وقتی یک فیلم ابتدا در فجر دیده می‌شود، بعد در جشنواره موضوعی، سپس در جشنواره منطقه‌ای و بعد در چند رویداد دیگر جایزه می‌گیرد، جشنواره از یک «محل کشف» به «ایستگاه توزیع مجدد جایزه» نزدیک می‌شود. خود دبیر اجرایی جشنواره مقاومت نیز در نشست خبری امسال توضیح داده است که در دوره‌های قبل، به دلیل یک محدودیت حقوقی، فیلم‌هایی که قصد حضور در فجر داشتند، نخستین نمایش خود را در فجر انجام می‌دادند و بعد در مقاومت حاضر می‌شدند.

این وضعیت وقتی جدی‌تر می‌شود که تعداد جوایز را هم کنار تعداد جشنواره‌ها بگذاریم. تنها در دوره چهل‌وچهارم جشنواره فجر، برای بخش اصلی سینمای ایران ۲۲ عنوان جایزه پیش‌بینی شده بود. در کنار آن، بخش مستند، کوتاه، تبلیغات و تجلی اراده ملی نیز مجموعه دیگری از جوایز را در اختیار داشتند. بخش تجلی اراده ملی نیز به سازمان‌ها و نهادهای مختلف اجازه می‌دهد آثار جشنواره را براساس مأموریت و سیاست خود ارزیابی و جایزه اهدا کنند. در نتیجه، یک فیلم می‌تواند در یک بازه کوتاه با مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها و عناوین مختلف روبه‌رو شود.

جشنواره معتبر قرار نیست فقط تعدادی فیلم و جایزه تولید کند. جشنواره باید برای فیلمساز، تماشاگر و صنعت سینما اتفاقی تازه بسازد. جشنواره باید فیلم جدید کشف کند، مخاطب تازه پیدا کند، ارتباط بین‌المللی ایجاد کند و حتی در صورت امکان به تولید و توزیع فیلم کمک کند. از این منظر، جشنواره فیلم مقاومت ظرفیت مهمی برای اصلاح مسیر دارد.

در انتها باید گفت هر جشنواره باید بتواند توضیح دهد چه چیزی را کشف می‌کند که جشنواره دیگر کشف نکرده. چه مخاطبی را می‌سازد که دیگری ندارد، چه ارتباط بین‌المللی ایجاد می‌کند و چه اثری بر تولید و توزیع سینما می‌گذارد. اگر پاسخ این پرسش‌ها روشن نباشد، افزایش تعداد جشنواره‌ها و جوایز نه نشانه رونق سینما، که می‌تواند نشانه تورم رویدادهای سینمایی باشد. سینمای ایران بیش از جشنواره تازه، به چند جشنواره قدرتمند، متمایز، رقابتی و اثرگذار نیاز دارد.

یادداشت

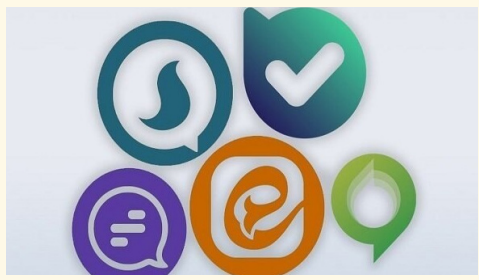
بازگشت آزاد؛ ابهام در سیاست‌گذاری فرهنگی

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

برنامه اینترنتی «آزاد» که پیش‌تر به دلیل حواشی و انتقادها از محتوای آن متوقف شده بود، بار دیگر فعالیت خود را از سر گرفته است. بازگشتی که در شرایط کنونی و با توجه به سابقه این برنامه، پرسش‌هایی را درباره نحوه نظارت بر تولیدات رسانه‌ای و سیاست‌گذاری فرهنگی مطرح می‌کند. نکته قابل تأمل این است که نه‌تنها نشانه روشنی از تغییر رویکرد این برنامه دیده نمی‌شود، بلکه برخی از موضوعات و مهمانان اخیر آن نیز همان مسیر گذشته را تداعی می‌کنند. «آزاد» در دوره فعالیت خود بارها به چهره‌های سلطنت‌طلب و جریان‌های غرب‌گرا تریبون داده و بستری برای طرح دیدگاه‌های آنان فراهم کرده است. در تازه‌ترین نمونه نیز موضوع مصدق و نقد عملکرد سیاسی او در این برنامه مورد توجه قرار گرفته است. البته نقد شخصیت‌های تاریخی امری طبیعی و ضروری است، اما مسئله اصلی، انتخاب موضوع، نحوه طرح آن و نسبتی است که این مباحث با شرایط سیاسی و امنیتی امروز کشور پیدا می‌کنند.

در شرایطی که ایران با یک جنگ و تقابل جدی خارجی مواجه بوده و همچنان با تهدیدهای امنیتی روبه‌روست، انتظار می‌رود سیاست‌گذاری رسانه‌ای و فرهنگی کشور نیز متناسب با این وضعیت باشد. پرسش اینجاست که چرا در چنین شرایطی، برخی تریبون‌های رسانه‌ای بدون توجه به اقتضائات زمانه، همچنان به بازتولید روایت‌هایی می‌پردازند که می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی و اراده ملی منجر شود؟ در بسیاری از کشورهای جهان، حتی در نظام‌هایی که خود را مدافع آزادی بیان معرفی می‌کنند، شرایط جنگی بر سیاست‌های رسانه‌ای و فرهنگی تأثیر مستقیم می‌گذارد. با این حال، در فضای رسانه‌ای ما گاهی چنین به نظر می‌رسد که میان شرایط کشور و مسئولیت رسانه‌ها ارتباط مشخصی وجود ندارد.

این مسئله متوجه معیارهای نظارت و مسئولیت نهادهای متولی فرهنگ است. اگر قرار است برنامه‌ای که پیش‌تر متوقف شده دوباره فعالیت کند، انتظار می‌رود دست‌کم درباره دلایل این بازگشت و تغییرات احتمالی در رویکرد آن توضیح روشنی ارائه شود. نمی‌توان از یک سو درباره ضرورت حفظ انسجام ملی سخن گفت و از سوی دیگر نسبت به محتوای تریبون‌هایی که در حساس‌ترین مقاطع کشور فعالیت می‌کنند، بی‌تفاوت بود.



روبیکا پیشتاز بازدید در میان سکوهای داخلی شد

گزارش جدید رادار فضای مجازی مرکز ملی فضای مجازی از عملکرد پنج سکوی داخلی در مهرماه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد مجموع بازدید چهار پیام‌رسان و سکوی ایتا، بله، روبیکا و سروش‌پلاس به ۸۶.۲ میلیارد رسیده است. همچنین در این مدت حدود ۷۶.۶ میلیون محتوا در پنج سکوی ایتا، بله، روبیکا، سروش‌پلاس و ویراستی تولید شده است.

براساس این گزارش، روبیکا با ثبت ۴۸ میلیارد بازدید، معادل ۵۵.۷ درصد کل بازدیدها، در صدر سکوهای داخلی قرار دارد. ایتا با ۱۷.۹ میلیارد و بله با ۱۶.۳ میلیارد بازدید در رتبه‌های بعدی هستند. سروش‌پلاس نیز ۴ میلیارد بازدید را ثبت کرده است.

از نظر تولید محتوا، ایتا با ۲۹.۵ میلیون محتوا رتبه نخست را دارد و روبیکا با ۲۷ میلیون محتوا در جایگاه دوم قرار گرفته است. بله و سروش‌پلاس نیز به‌ترتیب ۱۲.۹ و ۶.۳ میلیون محتوا تولید کرده‌اند. ویراستی با ۹۲۸ هزار محتوا کمترین میزان تولید را داشته است.

بررسی موضوعات محتوایی نشان می‌دهد مسائل فرهنگی و اجتماعی در هر پنج سکو بیشترین سهم را دارند. در عین حال، موضوعات نظامی و امنیتی، مذاکرات ایران و آمریکا و تحولات اقتصادی از مهم‌ترین محورهای مورد توجه کاربران بوده‌اند. نوسانات ارز و طلا، تحولات تنگه هرمز و مذاکرات هسته‌ای نیز از جمله ترندهای مشترک این سکوها در مهرماه بوده‌اند.